فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc121055382)

[پیشگفتار 2](#_Toc121055383)

[احتمالات در تفسیر آیه 2](#_Toc121055384)

[احتمال اول 2](#_Toc121055385)

[احتمال دوم 3](#_Toc121055386)

[اشکالات احتمال دوم 4](#_Toc121055387)

[اشکال اول: 4](#_Toc121055388)

[اشکال دوم 4](#_Toc121055389)

[اشکال سوم 5](#_Toc121055390)

[احتمال سوم 5](#_Toc121055391)

[احتمال چهارم 6](#_Toc121055392)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# پیشگفتار

بعد از بیان آن روایات «سَکَتَ عَنْ أَشْیَاءَ لَمْ یَسْکُتْ عَنْهَا نِسْیَاناً» پرداختیم به آیه **﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** و به ناچار وارد این شدیم که محدوده دلالت این آیه شریفه را به دست بیاوریم.

هشت نُه نکته ذکر شد که ملاحظه کردید بعضی نکات مهم‌تر بود و بعضی متعارف بود که در بررسی آیه لازم است توجه بشود

بعد از گذر از همه این نکات و فرا و فرودهایی که در دلالت آیه هست در مقام جمع‌بندی یا تقریر نهایی احتمالات در آیه مطالبی را عرض می‌کنیم و دشواری در تفسیر این آیه دیده می‌شود به حدی که ممکن است کسی بگوید این از آیات متشابه است و یک قدر متیقن محدودی دارد که فقط آن را می‌توان گرفت تا دایره وسیع‌تری داشته باشد

# احتمالات در تفسیر آیه

## احتمال اول

حال ببینیم چه احتمالاتی در تفسیر آیه وجود دارد.

آیه فرمود که **﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** احتمال اول این بود که قیدی که به اشیاء خورده است اگر بشنوید ناراحت می‌شوید کار را بر شما سخت می‌کند و تکلیف را بر شما سنگین می‌کند و در احتمال اول این است که بگوییم قید را مثل سایر قیود باید در موضوع اخذ بکنیم و حکم لَا تَسْأَلُوا در جایی است که این قید را احراز بکنیم.

پس آیه این‌جور می‌شود آن مسائلی که احراز کردید اگر بپرسید شما را به تنگنا می‌اندازد. این‌جور محدود بگیرید، اگر آن سؤالاتی را که مطمئن هستید اگر از امام یا پیامبر بپرسید، پاسخی می‌آید که سخت و دشوار است چه در امور تکوینی و چه در امور تشریعی. این احتمال اول است که دایره موضوع همان **﴿إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** است و باید احراز بشود مادامی که احراز نشده است این لَا تَسْأَلُوا آن را نمی‌گیرد.

مثل اینکه بفرماید لا تکرم الفاسق، باید احراز بکنید که اینجا فسق است تا نهی آن را بگیرد، این هم می‌فرماید لَا تَسْأَلُوا از مسائلی که اگر پاسخی از ناحیه معصوم برسد کار را بر شما سخت می‌کند.

این احتمال با این شکل در حدی است که این آیه مثل این که یک مفاد بی‌مصداقی را بیان می‌کند برای اینکه می‌گوید مثل اینکه فاسق را به دلیلی احراز بکنی تا لاتکرم بر آن سوار بشود این را هم باید احراز بکنی که این سؤال از چیزی است که جواب از آن من را به مشقت می‌اندازد و این‌جور چیزی را به سادگی نمی‌شود گفت که من احراز کردم الان این سؤال را از پیغمبر بکنم حتماً جواب آن چیزی است که من را اذیت می‌کند.

## احتمال دوم

این است که ممکن است کسی بگوید که این قدر محدود و معدود نیست مصداق‌های احتمال اول نیست، همین احتمال اول را می‌گوییم که آیه می‌فرماید سؤال نکنید از مسائلی که مطمئن هستید که جواب آن کار را سخت می‌کند

احتمال اول اینکه **﴿إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** را احراز بکند و مشکل این احتمال این است که اگر پذیرفته شود دایره خیلی محدود و ناچیز می‌شود و بعید است که آیه بخواهد یک مسئله کوچک و موردی را که احراز کرده است اگر جواب بگیرد برای او مشکل ایجاد بکند.

احتمال دوم این است که بگوییم اینجا قرائنی وجود دارد که **﴿إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** احراز لازم نیست، همین که احتمال می‌دهد که در پاسخ یک تکلیف شاقی پیدا بشود و کار دشوارتر بشود کافی است که این آیه بگوید سؤال نکن. پس لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ در معرض این است که کار را سخت‌تر بکند احتمال می‌دهیم که در جواب به موضوع و جوابی برسیم که کار را برای ما سخت‌تر بکند و همیشه این طور نیست ممکن است احتمال این بدهیم که پاسخ کار را سخت‌تر بکند و هر جا که احتمال سخت‌تر کردن باشد می‌فرماید لَا تَسْأَلُوا.

پس احتمال دوم در تفسیر آیه این است که بگوییم بر خلاف ظاهر اولیه و روش متعارف ادله اینجا می‌گوییم احراز موضوع لازم نیست بلکه إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ کنایه از این است که احتمال می‌دهد کار را سخت‌تر بکند لذا سؤالات ما علی قسمین است یک سؤالی است که احتمال این در آن وجود دارد که پاسخ آن کار را سخت‌تر بکند همین که احتمال اینکه پاسخ کار را سخت بکند دیگر سؤال از آن ممنوع می‌شود از آن دایره بسیار مضیق احتمال اول به دایره بسیار موسع می‌آییم، هر جا که سؤال می‌کنید و احتمال می‌دهید که جواب دایره را تنگ‌تر بکند و تکلیف را سخت‌تر بکند می‌گوید این سؤال را نکن.

گفته است اکرم عالماً این اطلاق دارد هر عالمی، فیزیکدان، فقیه و هر عالم دیگری، سفید و سیاه و هر دانشی، اگر سؤال بکند ممکن است بگوید این عالم باید فقیه باشد شبیه آن **﴿إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾**[[1]](#footnote-1) است در اطلاق بدلی اگر از قیود و شرایط سؤال بشود احتمال این است که محدودیت ایجاد بشود دایره محدود بشود و عمل سخت‌تر می‌شود.

اما یک جاهایی هم گفته است لا تکرم الفاسق این ظاهر اولش این است که هیچ فاسقی را اکرام نکن، اگر سؤال بکند این اطلاق استغراقی است اطلاق بدلی نیست در تحریمی که دارای اطلاق استغراقی داشته باشد عموم استغراقی باشد اگر سؤال بکند فاسقی که من نباید اکرام کنم کیست؟ شرطی هم دارد؟ امام اگر جواب بدهد شرطی ندارد مثل اول است اگر جواب دهد حرمت اکرام فاسق مربوط به فاسقی است که مرتکب کبیره شده باشد هست نه صغیره، دایره تکلیف شاق را محدود می‌کند این راحت‌تر است معلوم است احتمال آن هم نیست.

این دو مثال که در یکی احتمال مشقت در پاسخ بود و یکی احتمال افزایش مشقت و تکلیف در پاسخ نیست

مثال سوم؛ اکرم کل عالمٍ، سؤال بکند که عالمی که من مأمور به اکرام او شده‌ام شرطی دارد یا ندارد این جا تَسُؤْکُمْ نیست برای اینکه اگر هیچ قیدی را نفرماید همین اندازه که در خطاب اول بود ادامه دارد اگر محدود بکند تکلیف را جمع و جورتر می‌کند و تسهیل هم می‌کند این تَسُؤْکُمْ در آن نیست و هکذا

ولی درعین‌حال دامنه این امر خیلی زیاد است باید بگوییم بنا بر تفسیر دوم آیه چنین می‌شود آیه می‌فرماید شما سؤال که می‌خواهید بکنید از تفاصیل یک حکم و مسائل مربوط به یک حکم و خطاب، ببین احتمال می‌دهید در دایره جواب‌ها، جوابی بیاید که کار را سخت‌تر بکند، می‌گوید این را نپرس.

این تفسیر دوم است و تا حد زیادی قابل قبول است مخصوصاً اگر بگوییم لا تسالوا هم حکم تحریمی نیست، حکم در حقیقت ارشادی است یا تنزیهی است راه را نشان می‌دهد شما در آن جا که می‌خواهید سؤال بکنید دقتی بکنید

امام چند جور می‌تواند جواب بدهد. اگر جواب‌های امام مشقت اضافه‌ای به وجود نمی‌آورد یا همان اندازه تکلیفی که قبل بوده است ادامه پیدا می‌کند یا جایی خفیف‌تر می‌کند این عیب ندارد اما اگر احتمال می‌دهی که یکی از گزینه‌های جواب امام، -چون احتمال کافی بود- یکی از گزینه‌ها کار را دشوارتر می‌کند می‌گوید این سؤال را نکن کار را بر خود سخت نکن.

آن «سَکَتَ عَنْ أَشْیَاءَ لَمْ یَسْکُتْ عَنْهَا نِسْیَاناً» شاید بر همین حمل بکنیم

## اشکالات احتمال دوم

این راه خیلی معقول‌تر هست مخصوصاً اگر قیودی بر آن بزنیم که بعد خواهیم گفت، یکی دو اشکال این راه دارد

### اشکال اول:

اینکه اگر مخصوصاً این لَا تَسْأَلُوا را یک امر محرم بدانیم بگوییم دلالت بر تحریم می‌کند، با واقعیت روایتی که در وسائل و کتب روایی هست و سؤالاتی که از ائمه می‌شود سازگار نیست. حجم بالایی از سؤالاتی که از ائمه می‌شود پاسخ آن، پاسخی است که احتمال سخت‌تر شدن هست مثل غسل میت آن همه سؤالات ریز کرده‌اند بخشی از آن سؤالات ریز کرده‌اند از قبل هم احتمال سخت‌تر شدن را هم می‌دهد یک گزینه‌ای را امام جواب بدهد که تکلیف او را سنگین‌تر بکند.

این آیه چیزی را می‌گوید که بر خلاف آن این همه در اخبار و احادیث سؤال شده است، حکمی وجود داشته است در تفاسیر آن سؤال شده است و معلوم است هر جوابی امام بدهد تکلیف اضافه نمی‌شود ولی در خیلی از جاها احتمال آن هست که جواب امام کار سنگین‌تری را بر دوش او بیاورد و دایره تکلیف را سخت‌تر بکند بگوییم این‌ها همه مصداق **﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** این خیلی بعید است که این‌طور باشد به مجرد اینکه احتمال می‌دهد چیزی در جواب بیاید مقداری کار را سخت‌تر بکند بگوییم دیگر سؤال نکن، این خلاف روش متعارف دویست و پنجاه سال بوده است که سؤال می‌کردند و پاسخ می‌گرفتند

### اشکال دوم

این است به این شکل اطلاق آیه اختصاص به جایی ندارد که دلیل و حکمی داریم و از تفاصیل آن می‌پرسیم بلکه شامل آنجایی می‌شود که حکم را نمی‌دانیم ابتدائاً سؤال می‌کنیم، آنجا هم می‌گوید سؤال نکن، همین که احتمال می‌دهید تکلیفی بدهد، من نمی‌دانم الان تکلیف دارم یا خیر؟ زمینه خالی است سؤال بکنم همه مواردی که سؤال ابتدایی از یک تکلیف می‌شود احتمال دارد جواب امام آزادی باشد و احتمال دارد که جواب امام یک تکلیف جدیدی باشد نه قیود بر تکلیف و این کار را سخت‌تر می‌کند این هم خیلی بعید است چون مستلزم این است که بگوییم فاسئلوا اهل الذکر نیست

### اشکال سوم

اگر **﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** را احتمال گرفتیم و در معرضیت تولید یک مشقت و مصاعب قرار دادیم و این طور تفسیر کردیم دایره‌ای پیدا می‌کند که محدوده فاسئلوا را خیلی تضییق کرد در حدی که گویا این معارض آن می‌شود

در احتمال اول که ظاهر اولیه کلام است آن قدر دایره آیه محدود می‌شود که می‌گوییم اصلاً چرا آیه این مطلب را بیان می‌فرماید

می‌گوید اطمینان دارید جایی که سؤال می‌کنید پاسخی می‌دهد که کار را بر تو سخت می‌کند خیلی دایره محدود می‌شود

احتمال اول این است که نهی تحریمی متعلق به سؤالی است که مطمئن است جواب او سختی می‌آفریند این در حد لغو است مصداقی پیدا نمی‌کند در تکوینیات بیشتر است ولی در تشریعیات النادر کالمعدوم است

احتمال دوم این بود که احتمال اینکه تنگنایی ایجاد بکند مقصود است این هم گفتیم سه مناقشه دارد و با این دایره وسیع نمی‌شود آیه بگوییم نهی می‌کند. در حدی این احتمال دوم آیه را در حد تعارض آیه فاسئلوا اهل الذکر می‌رساند

## احتمال سوم

این است که احتمال دوم را بگوییم منتهی اینجا یک نهی ارشادی و تنزیهی است و این کار را سبک‌تر می‌کند در دایره وسیعی می‌گوید هر جا احتمال می‌دهید یک سختی در کار شما تولید بکند چه در اصل حکم و چه در تفاصیل یک حکمی که دلیل بر آن وارد شده است سؤال نکنید ولی این ارشاد می‌کند برای اینکه به زحمت نیفتید این سؤال را نپرسید. این هم احتمال سوم

این هم بعید است برای این که همان روش پرسش و پاسخی که در هزاران هزار روایت شاهدیم که به تعبیری می‌شود گفت سیره و روش پرسش و پاسخی که بین مردم و معصومین بوده است همه آن‌ها نشان می‌دهد نه تنها حرمتی نیست در سؤالی که ممکن است جواب آن سختی تولید بکند بلکه منقصتی هم در آن نیست آن سیره با ارتکازی همراه است که حتی منقصت را در حد ارشاد یا تنزیه هم نفی می‌کند.

بلکه شاید در نقطه مقابل ترغیب باشد که تحقیق کنید و بپرسید و تلاش کنید و روایات را منعکس کنید و منتقل کنید اینها اگر نگوییم ترغیب در نقطه مقابل هست که شامل آن جاهایی هم می‌شود که احتمال سختی می‌دهد احتمال یک پاسخی می‌دهد که کار را دشوارتر می‌کند لااقل این است که ارتکاز در این سیره نشان می‌دهد که منقصتی در کار نیست. حتی آن جایی که در غسل و نماز و روز سؤال می‌کند و احتمال می‌دهد که دایره تکلیف دشوارتر بشود تکلیفی که باید انجام بدهد قید و شرط‌هایی پیدا بکند کار سخت‌تر بشود

آن را که نباید انجام بدهد آن‌جور دیگری کار را سخت بکند. با این احتمال سوم بگوییم همین دومی با نهی ارشادی و تنزیهی باز این ارتکازات و واقعیت موجود در خارج سازگار نیست.

## احتمال چهارم

این است که کسی این‌طور بگوید که این آیه ناظر رخص احکامی است که خدا ترخیص داده است احل لکم الطیبات یا عزلت را بر شما قرار نداده است جاهایی که حکمی بیان شده است و آزادی جعل شده است نه اطلاق، این سؤال از حکمی باشد که تجویزی و تحلیلی و آزاد است این همین‌جور با آن باشد که حکم برداشته بشود این یک احتمال است که در یک اصلی که رخصت است در اصل آن سؤال بکند.

صلی الله علی محمد و آل محمد

1. - سوره بقره، آیه ۶۷ [↑](#footnote-ref-1)